

در گفت‌وگوی امیرحسین مدرس با «فرهیختگان» مطرح شد

قرار بود نقش یک «روز واقعه» را بازی کنم

نمی دانم چرا پخش نغمه عاشورایی «خورشید» در تلویزیون ممنوع است



می شود ولی آلبوم خورشید ممنوع است.

چه شد که در این آلبوم با امین تارخ همکاری کردید؟

وقتی که داشتم شرایط تولیدی آلبوم را بررسی می کردیم؛ برای دکلمه خوانی به چند گزینه رسیدیم، جناب منوچهر اسماعیلی، آقای فرخ نعمتی، آقای مسعود رایگان و جناب امین تارخ، که به این عزیزان صحبت کردیم و شرایط تولید طوری رقم خورد که جناب تارخ دکلمه‌های این آلبوم را خواندند.

گفتید که قطعات متعددی از نغمه‌های قدیم عاشورایی را جمع‌آوری کرده بود. با توجه به استقبالی که از آلبوم ماه‌نی و خورشید شد چرا این کار را ادامه ندادید و سایر قطعات را در قالب آلبوم تولید و عرضه نکردید؟

خیلی دوست دارم که این کار را ادامه بدهم و بسیاری از مقدمات کار هم آماده است، اما دلم می‌خواهد تحت هر شرایطی این اتفاق نیفتدو کار حالت‌رفع تکلیفی نداشته‌باشد.

منظور تان حمایت ارگانی است؟

هم فرآیند تهیه و هم مجاری توزیع کار باید به بهترین شکل ممکن رخ بدهد و به قول قدیمی‌های یک کار سر و ته مهر از آب دربیاید که در شأن دستگاه ابا عبدالله علیه‌السلام‌شود.

جالب است که سبک‌های قدیمی عزاداری چنان مهجور واقع شده‌اند که وقتی یکی دو سال گذشته‌آقای محمود کریمی سنت چهارپایه‌خوانی را زنده کردند، بسیاری از هم‌نسلان ما برای اولین‌بار با چنین چیزی رویه‌رو شدند و اصلا تصویری از این سبک عزاداری قدیمی نداشتند. . .

دقیقا، آن‌هم درحالی‌که نزدیک به یک‌قرن است که چهارپایه‌خوانی در بازار تهران در بازار کفاش‌ها در ماه محرم برگزار می‌شود، پیش از ماه محرم و در ایام مسلمیه مراسم عزاداری در بازار حرم حضرت عبدالعظیم حسنی دارد برگزار می‌شود که آن هم بیش از یک قرن سابقه دارد. یعنی کاملا یک میراث سنتی است. منظورم این است که این اتفاقات هویت و ریشه‌های تاریخی عزاداری ما هستندکه مهجور واقع شده‌اند.

هنر عاشورایی

نخستین اتفاقی که هم‌زمان با ماه محرم امسال و نزدیک به یک ماه بعد از حضور رئیس‌جمهور جدید، هیئت هنرهای آواز شده، پویش «سوره اشک» است. پویشی که در آن مجموعه‌ای از تولیدات هنری در قالب‌های مختلف در ارگان‌های زیرمجموعه حوزه هنری تولید شده و کار انتشار آنها نیز از ابتدای ماه محرم آغاز شده است. این تولیدات در قالب‌های مختلفی نظیر نماهنگ، فیلم کوتاه، تیزر فرهنگی، پویانمایی، کمیک‌موشن و... بوده و در زیرمجموعه‌های حوزه مانند مرکز موسیقی، باشگاه فیلم سوره، معاونت سینمایی و... تولید شده است. از میان آثاری که تا کنون

در قالب این پویش منتشر شده، نماهنگ «تمام خاطرات من» با صدای محمد معتمدی، تیزر فرهنگی «جای خالی» به کارگردانی علی ملاقلی‌پور و کمیک‌موشن‌های «سوک سالار» با صدای امیرحسین مدرس بیش از سایر آثار مورد اقبال مخاطبان قرار گرفته‌است. قرار است تولیدات دیگری مانند نماهنگی با صدای رضا صادقی و چند اثر داستانی کوتاه نیز به‌مرور تا ربیعین حسینی در قالب این پویش در رسانه ملی و فضای مجازی منتشر شود.

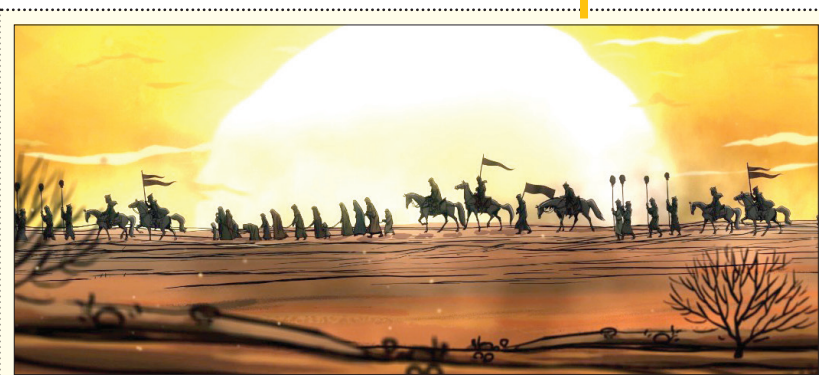
البته نه فقط در حوزه موسیقی و نغمه‌های عزاداری حسینی، بلکه در سایر عرصه‌های هنر نیز هنر عاشورایی مهجور واقع شده. یعنی مثلا در حوزه سینما و تلویزیون اگر آثار ماندگاری مانند روز واقعه، سفیر و مختارنامه را از سینما و تلویزیون بگیریم تقریبا می‌شود گفت اثر ماندگار دیگری در باره قیام ابا عبدالله (ع) تولید نشده است. . .

اسم روز واقعه را بردید، این را بگویم که قرار بود نقش عبدالله را من بازی کنم، در آن سال‌ها من درنمایش خورشید کاروان نقش راهب را بازی می‌کردم و یک شب آقای اسدی برای تماشای نمایش ما آمدند و صحبت‌هایی با من کردند و بعد من به دفتر هدایت فیلم رفتم. اما این اتفاقی نیفتاد و نقش عبدالله را من بازی نکردم. اما اشاره شما درست است. ما در حوزه فیلم و سریال دستمان خالی است و به جز اینهایی که شما گفتید و اثر که مرکز صداوسیما ای استان خراسان در دهه ۶۰ به نام سریال روایت عشق تولید کرد که در آن سریال هم مرحوم رضا سعیدی نقش این‌ز یاد را بازی می‌کرد، نقش حر را مرحوم تیمور قهرمان بازی می‌کرد و مرحوم انوشیروان ارجمند و تعداد دیگری از هنرمندان هم در آن سریال بازی می‌کردند، اما به جز اینها و فیلم رستاخیز که البته من آن را ندیدم کار دیگری به خاطر من نمی‌آید.

به نظر تان دلیل اینکه آثار خاطره‌انگیز عاشورایی در گونه‌های مختلف هنری انگشت‌شمار است چیست؟ به نظر تان موضوع مربوط به حساسیت‌های مربوط به خود این روایت‌ها و شخصیت‌های مقدس است یا امر دیگری؟

قضاوت من به‌عنوان بیننده‌ای که در این سه دهه نزدیک به ۲۰ تئاتر عاشورایی دیدم این است که این آثار از دو حالت خارج نیست. یا تقدیر مدرن و تکنیکال است که مخاطب عام با آن ارتباط برقرار نمی‌کند یا از این سمت نزدیک به تعزیه می‌شود.

من یک روایت روان و سروسامان‌دار و درعین رعایت فرم در خاطر ندارم. یعنی یا روضه‌خوانی تصویری دیده‌ایم یا یک کار تکنیکال مدرن. اما تمام این قضاوت‌ها مبتنی بر متن است. تا وقتی که متن خوب و یک بستر روایی درست و درمان وجود نداشته باشد نمی‌توان توقع خلق یک اثر ماندگار داشت، مثلاً همان فیلم روز واقعه براساس متنی شکل می‌گیرد که جناب بهرام بیضایی با هنرمندی نوشته است و حتی قرار بود خود ایشان آن را کارگردانی بکنند. وقتی متن خوب باشد می‌تواند انتظار کار خوب را هم داشت، ولی مساله این است که متن خوب بسیار کمیاب است.



در قالب این پویش منتشر شده، نماهنگ «تمام خاطرات من» با صدای امیرحسین مدرس بیش از سایر آثار مورد اقبال مخاطبان قرار گرفته‌است. قرار است تولیدات دیگری مانند نماهنگی با صدای رضا صادقی و چند اثر داستانی کوتاه نیز به‌مرور تا ربیعین حسینی در قالب این پویش در رسانه ملی و فضای مجازی منتشر شود.

اجازه بدهید به بهانه تولیدات عاشورایی، اشاره‌ای به کار تازه شما داشته باشیم. در روزهای اخیر کمیک‌موشن‌های «سوک سالار» با صدای شما در حال انتشار است. به نظر می‌رسد شیوه روایت‌ا متن تا فرم تصویری طوری است که مخاطب هدف آن بیشتر جوانان و نوجوانان بوده‌اند، این گزاره درست است؟ من همچنین حس می‌دارم، یعنی هم متن و هم کمیت زمانی این مجموعه و در کنار آنها فرمت تصویری کمیک‌موشن جوری است که بیشتر نوجوانان و جوانان به آن رغبت می‌کنند. چرا که در واقع این مجموعه نوعی بازنویسی حوادث کربلاست، و پرش‌های تصویری زمانی متفاوتی داشت. مثلا درباره حضرت علی اصغر(ع) از مدینه آغاز می‌شود و جناب باب و بعد به کربلا و مصیبت شهادت حضرت علی اصغر(ع) می‌رسد. این جزئیات کیفی و کمی به نظر بیشتر مخاطب نوجوان و جوان را جذب می‌کند.

شما انتخاب فرم تصویرسازی و کمیک‌موشن که مقداری فانتزی است را برای روایت‌های عاشورایی در این مجموعه می‌پسندید؟

چرا استفاده نشود؟ ببینید ما در فرم باید جوری کار کنیم که شأن روایت مذهبی رعایت شود و معتقدم حوزه پویانمایی قابلیت گسترده‌ای برای انتقال اطلاعات و احساسات به کودک و نوجوان دارد. گم‌ای‌نکه کشورهای دیگر هم از این قالب برای انتقال مفاهیم و مقاصد خودشان دارند استفاده گسترده‌ای می‌کنند. پس روشن است که ما هم می‌توانیم از چنین زبان فرمی برای انتقال مفاهیم فرهنگی بومی خودمان بهره بگیریم. مگر ما داستان برای تعریف کردن و محتوا برای ارائه کردن نداریم؟

پس در مجموع از خروجی این کمیک‌موشن‌ها راضی هستید؟

به نظر کارها خوب از آب درآمده، هم به لحاظ فرم و ساختار و هم به لحاظ محتوا. هر چند که روند تولیدشان کمی عطله‌ای شده و تمام مجموعه در کمتر از یک ماه تولید شده است. اما به نظر من خروجی قابل دفاعی داشته چه به لحاظ روان بودن و همه‌فهم بودن متن و چه به لحاظ فرم.

اجازه می‌خواهم که در بخش پایانی گفت‌وگو درباره مسیر هنری خود شما صحبت کنیم. مسیر متنوعی که از نیم‌رخ و مجری‌گری تا خوانندگی، بازیگری، خطاطی و نویسندگی را در بر گرفته. بعضی این تنوع رشته‌ها را نمی‌پسندند و معتقدند این چندرشته بودن باعث عدم تمرکز و کاهش تخصص می‌شود.

خود شما که چنین فضایی را تجربه کرده‌اید این موضوع را قبول دارید؟ ببینید من هیچ‌گاه با دو تا دست هم‌زمان چند هندوانه را برنداشته‌ام. یعنی برای تک‌تک این حوزه‌ها وقت مستقل و مفصلی گذاشته‌ام، اگر دنبال خوشنویسی رفتم وقت تمام و کمال برای آن گذاشتم، اگر موسیقی را دنبال کردم فرصت مستقلی برای آن گذاشتم و باقی ماجرا. من از زمانم خوب استفاده کردم، و اگر دوباره برگردم به ابتدای این مسیر اتفاقا این بار به دنبال شاخه‌های هنری بیشتری می‌روم.

از این نمی‌ترسید که این اتفاق باعث کاهش تخصص و تبحر تان بشود؟

این تخصص‌ها الان در کنار هم گرفته‌اند، درحالی‌که فرآیند یادگیری من در این رشته‌ها نزدیک به سه دهه طول کشیده. آن هم نه به‌طور هم‌زمان، یک بخشی از این سال‌ها را به بازیگری اختصاص داده‌ام، چندسال را به خطاطی گذرانده‌ام، بازیگری را به‌طور مستقل آموخته‌ام... مثلاً سُرکلاس آواز دنبال خوشنویسی نبودم یا وقتی که بازیگری را می‌آموختم در دنیای شعر و ادب فعالیت آنچنانی نمی‌کردم. می‌خواهم بگویم از سال ۶۴ که به‌طور جدی یادگیری را آغاز کرده‌ام، تلاش کرده‌ام که از وقتم درست استفاده کنم و اتفاقا معتقدم اگر کسی از فرصت و ظرفیت‌هایی که خدا به او داده خوب استفاده نکند کفران نعمت کرده. همین الان هم وقتم را تقسیم‌بندی می‌کنم، یعنی الان متمرکز بر کتاب هشتم و نزدیک به سه‌سال است که پا در تلویزیون نگذاشته‌ام.

چرا؟ خود خواسته بوده یا تصمیم مدیران؟

هم خود خواسته بود و هم از سر دلگیری. من شعارم در اجرا این است که در برنامه‌ای حاضر بشوم که در اول‌هله اول به دانسته‌های خود من اضافه بکند. من هیچ وقت به خاطر شهرت و پول مجری برنامه نشده‌ام چون اساسا نگاهم به اجرا این‌طور نیست. من این نگاه را کثیف و آلوده می‌دانم و اصلا این نگاه را نمی‌پسندم. از بزرگ‌ترهای تلویزیون این‌طور یاد گرفته‌ام و هیچ‌گاه به شکلی که عرض کردم به تلویزیون نگاه نکرده و نمی‌کنم. من هیچ وقت با اجرای تلویزیونی به معنای مرسوم بار خودم را نبسته‌ام و تصمیم گرفتم مادامی‌که چنین شرایطی برابم فراهم نشود اجرای برنامه‌ای را قبول نکنم.

شما هم البته از نیم‌رخ کار در تلویزیون را آغاز کردید، برنامه‌ای که چهره‌های متعددی را به دنیای سینما و تلویزیون معرفی کرد که هنوز هم هنرمندان خاطره‌ساز مهمی هستند.

بله، نیم‌رخ محصول زمانی است که تفاوت‌های بسیاری با امروز دارد. آن‌روزها تلویزیون انحصار داشت، شبکه‌های اجتماعی اساسا وجود این چنین نداشتند، خود تلویزیون هم چند کانال محدود بود و صد البته برنامه نیم‌رخ هم یک برنامه پیش‌رو بود که اسیر تعارفات و تابوهای معمول هم نبود و در این فضاها دست به ساختار شکنی‌های مثبت می‌زد. اتفاقا سه سال پیش یکی از مدیران تلویزیون عوامل نیم‌رخ را جمع کرد و قصد داشت که سری تازه نیم‌رخ را تولید کند که من به ایشان هم گفتم الان نمی‌شود نیم‌رخ را ولو با حرف‌های تازه تکرار کرد. چرا که نیم‌رخ مربوط به دوره متفاوتی از امروز بود.

یعنی به نظر تان نمی‌شود نیم‌رخ را تکرار کرد؟

امروز نمی‌توان با حرف‌های نیم‌رخ مخاطب گسترده به دست آورد. به هر حال روزگار عوض شده. شما چه کار می‌خواهی بکنی که نوجوان از بین این همه رسانه و شبکه‌های اجتماعی و بازی و ابزار تازه فقط تو را تماشا کند و تو را انتخاب کند؟ ابزار رقابت چیست؟

منظور تان کاهش قدرت تلویزیون نسبت به آن دوره است یا تفاوت اقتصادات جامعه؟

هردوی اینها. آن ساختار شکنی درست و قاعده‌مند امروز امکان تکرار دارد؟ به نظر من نمی‌شود. و صادقانه این است که نمی‌دانم چطور می‌شود چنین موفقیتی را که نیم‌رخ به دست آورده بود تکرار کرد. چرا که چنین موفقیتی از دل یک هزارتوی شرایط مختلف به‌بار می‌آید که آنقدر پیچیده است که نمی‌شود درباره آن به‌سادگی حکم کرد و راه‌حل ارائه داد. مولفه‌های اجتماعی و رسانه‌ای و فرهنگی در هم تنیده و پیچیده‌ای است که باید از دل تمام آنها به یک ایده موفق تازه رسید که من آن را نمی‌دانم.